

باسمه تعالی

- ۱..... **مشتق**
- ۱..... **تمه بحث فارق فعل ماضی و مضارع در صورت عدم اقتران زمان در افعال**
- ۲..... **فارق ماضی و مضارع نسبت انتضائیه و لا انتضائیه**
- ۲..... **فرع فقهی**
- ۲..... **عدم وضع مجزایی برای احداث در افعال**
- ۳..... **ظهور انصرافی افعال در احداث**
- ۳..... **عدم ظهور انصرافی افعال در احداث**
- ۴..... **امر چهارم: اختلاف مبادی مشتقات**

موضوع: بررسی فرع فقهی / مشتق / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته بحث شد از اینکه بین افعال و اسماء از لحاظ عدم جزئیت زمان در موضوع له آنها فرقی نیست بعد سوالی پیش آمد که اگر زمان در آنها لحاظ نشده است پس فرق بین فعل ماضی و مضارع در چیست با اینکه نمیتوان آنها را به جای همدیگر استعمال کرد. مرحوم اخوند در کفایه فرموده بود که فرق آنها یک خصوصیتی است و در تقریرات استاد فرمودند عباراتی دارند که به سبق و لحوق سازگاری دارد و در نهایت فرمود که برای بیان آن خصوصیت ضیق خناق وجود دارد و توضیحاتی را فرمودند. بعد فرمود مرحوم اخوند وارد بحث فارق بین معنای اسمی و حرفی شده است که تطویل بلا طائل است و ما آن را رها میکنیم ولی به مناسبت بحث افعال یک فرع فقهی به میان آمد که در این جلسه به بیان آن میپردازیم.

مشتق

تمه بحث فارق فعل ماضی و مضارع در صورت عدم اقتران زمان در افعال

بحث در معنای افعال تمام شد و مرحوم اخوند به مناسبت وارد بحث ادباء شده بود که گفته بودند فرق بین فعل و اسم این است که در افعال زمان اخذ شده است و در اسماء زمان اخذ نشده است و فعل را به اعتبار همان زمان به سه قسم تقسیم کرده

۱ کفایه الاصول، اخوند خراسانی، ج ۱، ص ۴۱.

بودند ماضی و مضارع و امر. اصولیون این مطلب را انکار کرده اند و مرحوم اخوند فرموده است که زمان در افعال اخذ نشده است و ما عرض کردیم که در امر مشکلی ندارد و معنای آن همان طلب است و چون در حال است در حال قرار میگیرد. مشکل در فرق ماضی و مضارع بود که محروم اخوند فرمود فارق خصوصیتی در نسبت هیئت به فاعل است که در ماضی یک نوع خصوصیت و در مضارع یک نوع خصوصیتی دیگر است بعد مرحوم اخوند نقوضی را مطرح کرد که یک مثال را مطرح نکردیم و آن جمله شرطیه است که اگر گفته شود آن ضربتک که استقبال فهمیده میشود و احساس مجازیتی نداریم و استقبال را از آن شرطیه استفاده میکنیم که تعلیق را میفهماند و تعلیق باعث معنای مضارع میدهد پس در این مثال ماضی در همان اسناد ماده به فعل استعمال شده است.

فارق ماضی و مضارع نسبت انقضائیه و لا انقضائیه

شاید بتوان گفت که در ماضی اسناد ماده به فاعل است بعد از انقضای آن حدث. یعنی حدثی که تمام شد آن را به فاعل نسبت میدهیم وقتی میگوید «الان علمته» یعنی همین تازگی ها تعلیم دادم بر خلاف «الان اعلمه» که چون منقضی نشده است و خصوصیت فرق میکند باید هیئت را عوض کنیم و آن را تبدیل به مضارع کنیم در مثال جمله شرطیه هم همین معنا است یعنی اگر نسبت آن ضرب به تو انقضا پیدا کرد من هم آن نسبت ماده به حدث را به وجود میآورم. فلذا زمان جزء مدلول فعل نیست.

فرع فقهی

ایا افعال ظهور در احداث دارند یا نه؟ مرحوم خویی فرموده است که افعال ظهور در احداث دارند و بنا بر این در مواردی لاقلاً احتیاط کرده است و خود ایشان اقرار میکنند در بعضی موارد قرینه هست که ظهور در احداث ندارد مثل بحث وطی به شبهه. اگر کسی در ابتدا وطیش به شبهه بود و در وسط کار فهمید نباید ادامه دهد و نمیتوان گفت که چون بقائی است اشکالی ندارد اما در مواردی مانند باب غسل و وضو و سجده این قرینه وجود ندارد در این گونه موارد لاقلاً احتیاط این است که احداث را محقق کند

عدم وضع مجزایی برای احداث در افعال

این ادعای مرحوم خویی درست نیست زیرا ماده فعل دلالت بر حدث میکند و هیئت هم دلالت بر تحقیق و یا انقضائیه و غیره میکند و چیزی سومی به نام احداث نداریم

ظهور انصرافی افعال در احداث

شاید منظور ایشان انصراف به احداث است زیرا ایشان شاهد آورده است که اگر کسی در حال سجده است و ایه سجده واجب را می شنود و از لحاظ بقا نیت سجده ایه بکند در حالی که کسی قائل به این مطلب نیست و باید سر از سجده بردارد و به بعد به نیت سجده ایه سجده دار به سجده برود یا مثلا در بحث شستن بعضی از نجاسات که دو بار باید شسته شوند اگر یک بار شست و در همان حال (ابقاء) قصد مرحله دوم را کرد با این کار دو بار محقق نمیشود.

عدم ظهور انصرافی افعال در احداث

به نظر میاید که چنین ظهوری نیز ندارد این همه مواردی که داریم که احداث در آنها اخذ نشده است و ابقا کافی است باعث میشود که بگوییم چنین انصرافی درست نیست و بعید است که همه ی آن موارد با قرینه باشد و ادعای ما این است که ظهور افعال در ابقا نیز عرفی است مثلا اگر پدری به پسرش بگوید بایست و پسر در حال قیام است صدق میکند که امتثال امر پدر را انجام داده است. در زمان اشتغال به عمل اگر امر صادر بشود ادامه ی آن اشتغال عرفا امتثال است و این مطلب کاشف از این مطلب است که ظهور افعال در ابقا عرفی است و نیاز به قرینه ندارد

اما اینکه مرحوم خویی مثال به سجده ایه واجب آورد درست است ولی دلیلش این است که ایه سجده دار سبب دیگری است و ادامه ی سجده نماز امتثال دیگری نیست در حالی که ایه سجده دار نیاز به سجده دیگری دارد. و حقیقت سجده به این است که سر از زمین بردارد و دو باره به زمین برورد و منظور از سجده انداختن به زمین است که در صورت ابقا چنین حالتی وجود ندارد.

در مساله شستن دو بار که واضح تر است زیرا در ادله عنوان دو بار لازم است و اتصال موجب وحدت است و دو بار صدق نمیکند و دلیلش بحث احداث نیست که شاهد بحث بشود و عنوان احداث موجب تعدد و انفصال متنجس از آب نمیشود بلکه عنوان دو بار باعث این انفصال میشود.

نتیجه: اولاً دلیلی نداریم که ظهور افعال در احداث باشد و ثانیاً در بسیاری از موارد احداث اعتباری ندارد و اینکه بگوییم این همه موارد دارای قرینه است خیلی بعید است. ما حتی اگر بگوییم که افعال ظهور در احداث دارد ولی مثل وضو عنوان قصدی است و با قصد کردن احداث حاصل میشود که در فقه بحث شده است.

امر چهارم: اختلاف مبادی مشتقات

مرحوم اخوند میفرماید: بعضی از مشتقات ماده آنها به صورت فعلیت در آن شرط است مانند زدن و بعضی از مشتقات ماده آنها فعلیت در آن ها شرط نیست مانند تاجر که حرفه است و نجار که صنعت است مواد در ضمن این موارد فعلی نیست و مبدا آنها به همان داشتن ملکه است ولی اگر گفته شود که النجار ینجر در این صورت فعلیت مراد است که از فعل مضارع به دست میاید ولی در ضمن هیئت بحث ما فعلیت مراد نیست.